۱۲

گفت‌وگو با مجتبی حیدری، عکاس مستند به انگیزه برگزاری نمایشگاه «به تو از دور سلام»

عکاسی در خدمت روضه‌های خانگی

پای ساختن آخرین مستندش، کرونا گرفت و به رحمت خدا رفت

اکبر آقای عالم «هنر هفتم»

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۹ | ۲۶ صفر ۱۴۴۲ | ۱۴ اکتبر ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۳۶۸ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

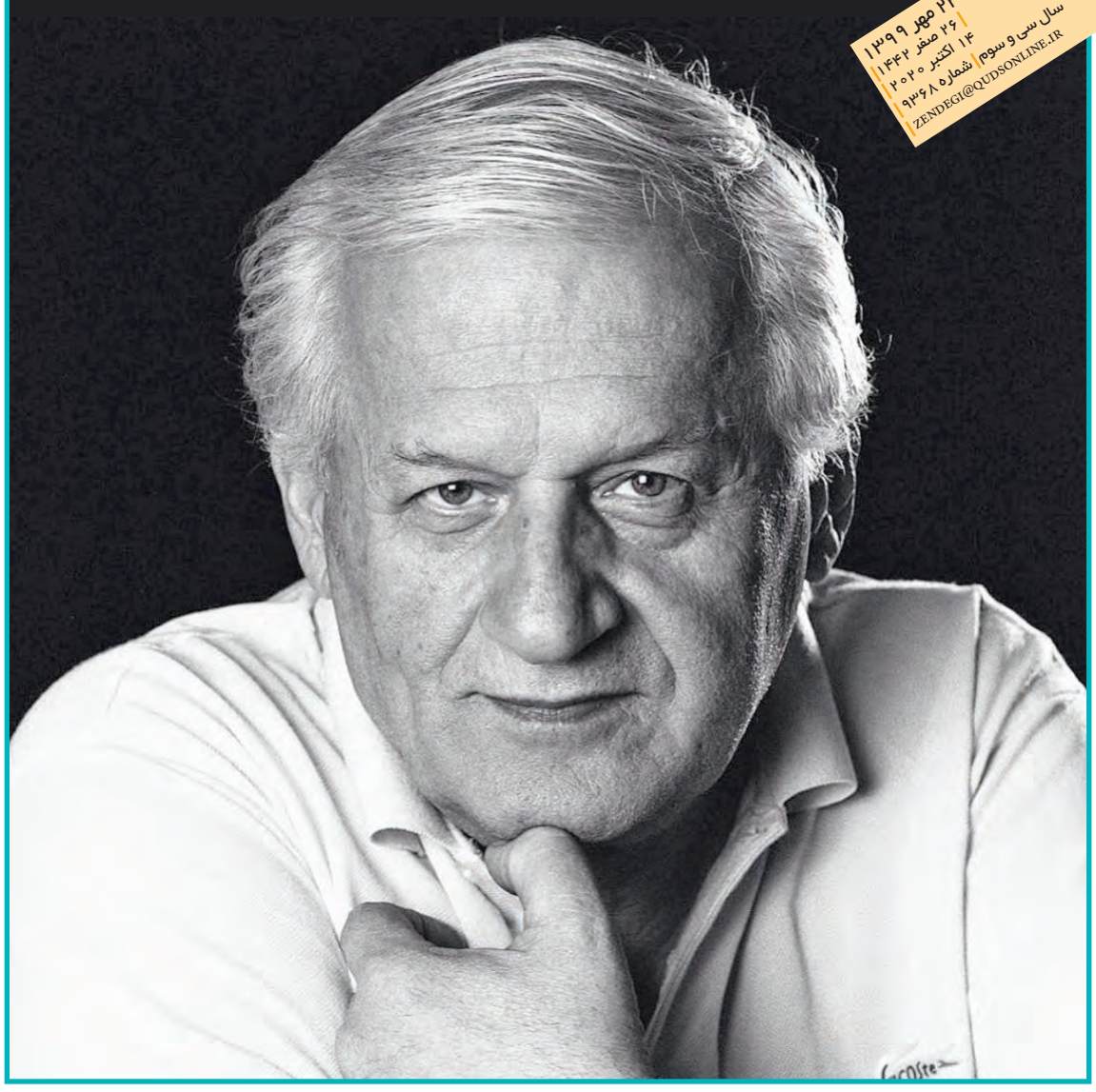

مجید تربت‌زاده خب... کرونا این را از همان روزهای اول آمدنش ثابت کرد که رحم و مروت ندارد؛ کوچک و بزرگ نمی‌شناسد؛ پیر و جوان برایش فرقی نمی‌کند و ورزشکار و غیر ورزشکار یا هنرمند و غیرهنرمند هم سرش نمی‌شود. «اکبر عالمی» همین یک هفته پیش، پس از بستری شدن در بیمارستان گفته بود: «فعلاً حال عمومی بهتری دارم...». شاید برای همین کسی چندان نگرانش نشد. استاد سینمای ایران قرار نبود تسلیم شود یا حداقل خودش و ما این‌جور فکر می‌کردیم که بیماری را پشت سر می‌گذارد تا شاید بعدها، مستندش درباره کرونا را به پایان برساند. اما انگار ویروس‌ها را درست نشناخته بودیم. همان طور که علم پزشکی امروز و دانشمندان هم با همه یال و کوپالشان، در برابر شگفتی‌ها و بازی‌های این ویروس، انگشت به دهان مانده‌اند!

هر چهار نفر

نخستین ساعت‌های صبح دیروز، پسرش، اردشیر در اینستاگرام نوشت: «پدر رفت... فقط پدر من نبود، پدر چند نسل ایران بود. تأثیر وجودش تا سال‌ها باقی خواهد ماند...»! برای ما و آن‌هایی که با مصاحبه هفته پیش استاد امیدوار شده و رفته بودیم پی دلمشغولی‌ها و گرفتاری‌های هر روزه زندگی‌مان، خبر تکان‌دهنده بود. دردناک هم شد وقتی یادمان آمد «عالمی» آن روز، آخر صحبت‌هایش گفته بود: «هفته گذشته برای فیلم‌برداری مستندی درباره کرونا با سه نفر دیگر از همکارانم به یکی از بیمارستان‌های تهران رفته بودیم و اگرچه تمام موارد ضروری را رعایت کردیم با این حال هر چهار نفر به کرونا مبتلا شدیم!» یعنی همه مراحل ابتلا تا بد حالی و بستری شدن و در نهایت فوت، دو هفته بیشتر طول نکشید. دو هفته‌ای که پیش از این‌ها فکر می‌کردیم کرونا اگر گرفتارمان کند، فقط دو هفته طول می‌کشد تا نشانه‌های بیماری ظاهر شود. عالمی اما همان هفته دوم با وجود احساس بهبودی، مشکل تنفسی‌اش رو به وخامت گذاشت تا سرانجام دستگاه ونتیلاتور هم نتواند تنفس و زندگی را به او برگرداند.

برای هر برنامه ده‌ها کتاب می‌خواندم

اصالتاً دامغانی بود و به خاطر شغل دامپزشکی پدر و سفرهای پی در پی‌اش، «اکبر» تیرماه ۱۳۲۴ در اهواز به دنیا آمد. اما در خوزستان نماند و هنوز دوساله بود که پدر به دامغان برگشت. سال‌ها بعد، جوان چشم آبی دامغانی‌ها، به عشق سینما راهی تهران شد. حالا خیال نکنید مثل برخی از امروزی‌ها که شاید از هنرمندی و سینما فقط چشم رنگی و یا خوش‌تیپی را شرط موفقیت می‌دانند، به تهران رفت تا بی‌هیچ دستمایه هنری یا تحصیلات تخصصی، بختش را در بازیگری آزمایش کند. اکبر عالمی، اول رشته رادیو تلویزیون را در دانشکده هنرهای دراماتیک خواند، بعد کارشناسی ارشدش را در رشته سینما از دانشگاه تربیت مدرس گرفت و در نهایت هم در مقطع دکترا از کشور انگلیس دانش‌آموخته شد و به ایران بازگشت. البته «عالمی» به بازیگری بی‌علاقه یا در آن بی‌تجربه نبود، چون حداقل یادمان است که او را در فیلم «بابا نان داد» (سال ۱۳۵۱) به عنوان بازیگر دیده‌ایم. او همچنین مدتی ریاست لابراتوار وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسئولیت لابراتوارهای سازمان صدا و سیما را نیز عهده‌دار بوده‌است.

حتی آن‌هایی که خیلی حرفه‌ای سینما و مسائلش را دنبال نمی‌کنند، اکبر عالمی را خوب می‌شناسند. یعنی محال است در تلویزیون برنامه «هنر هفتم» را ندیده باشند. اولین و تنها برنامه تخصصی سینمایی در دهه ۷۰ که هر شب جمعه، بسیاری از پیر و جوان‌های اهل سینما را پای تلویزیون می‌نشاند تا مجری و کارشناس خوش تیپ و با سوادش آن‌ها را تا نیمه شب میهمان اخبار، رویدادها و زیبایی‌های پرده نقره‌ای کند و فیلمی ارزشمند را هم به نمایش بگذارد. خودش درباره آن روزها گفته بود: «به دلیل اینکه گرداننده برنامه و مجری بودم، باید کمتر حرف می‌زدم، چرا که همیشه معتقدم میزبان حق ندارد بیشتر از میهمان در سفره دستش را دراز کند و همیشه باید بیشترین زمان را به میهمان داد؛ بنابراین ما هم بیشترین زمان را به میهمانان برنامه اختصاص می‌دادیم. شخصاً به عنوان مجری برای هر قسمت از برنامه «هنر هفتم» گاه ده‌ها کتاب مطالعه می‌کردم تا بتوانم برنامه را به خوبی هدایت کنم». به کارها و فعالیت‌هایش، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مجریگری و کارشناسی برنامه «ماورا»، عضویت در انجمن مدرسان سینما و گویندگی در برنامه‌های مستند مختلف را هم اضافه کنید.

مروارید خلیج‌فارس

البته «اکبر عالمی» را باید بیشتر در کنار سینمای مستند دید، چون او در کارنامه‌اش ساخت ده‌ها مستند را دارد که در بین آن‌ها «مروارید خلیج فارس» را می‌شود اثر ماندگاری از او به شمار آورد که در آن به‌طور غیرمستقیم موضوع ایرانی بودن خلیج فارس را مطرح می‌کند تا پایانی بر ادعاهایی باشد که از سوی بعضی کشورهای منطقه مطرح می‌شود. خودش درباره این اثرش گفته بود: «مستند مروارید خلیج فارس را به نوعی می‌توان مستند صنعتی محسوب کرد، زیرا در آن به پیشرفت‌های استان بوشهر اشاره شده و از سوی دیگر به گونه‌ای کاملاً ظریف به این موضوع تأکید داشته‌ام که خلیج فارس متعلق به ایرانیان است. من تلاش نکردم صریح و به گونه‌ای به ایرانی بودن خلیج فارس اشاره کنم که گویی از تحریف نام آن دلواپس شده‌ایم. کار من بر مبنای تبلیغات غیرمستقیم است». مجموعه پنج قسمتی «نوابغ عکاسی» درباره تاریخ عکاسی هم یکی دیگر از مستندهای ماندگار اکبر عالمی است که از شبکه مستند سیما پخش شده است.

قانونمندباش!

هشتم اسفند ۱۳۹۳، جشن تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر تصمیم گرفت به پاس یک عمر فعالیت هنری اکبر عالمی از حضور خلاقانه و تأثیرگذار او در عرصه هنرهای تصویری تجلیل و قدردانی کند.

گیتی خامنه، مجری تلویزیون که روزگاری در دانشگاه، دانشجوی «عالمی» بوده، از جمله سخنران‌های این مراسم بود. خامنه آن روز گفت: «در آن زمان سیستم حراست صداوسیما بسیار سختگیر بود و حتی اجازه نمی‌داد خوراکی کوچکی با خود به داخل ببریم. من یک روز دوربینی را به داخل بردم و شادمان از این فتح خود مشغول عکاسی از گل‌های محوطه بودم. درنهایت شادمانی که توانسته‌ام سر دوستان حراست را کلاه بگذارم مشغول عکاسی بودم که یکی از پشت سر به من گفت اینجا عکس‌برداری ممنوع است... وقتی قانونی را می‌گذارند باید همه قانونمدار باشند! این فرد اکبر عالمی بود که به من تذکر داد قانونمند باشم».

حمیدرضا صدر، منتقد و نویسنده نیز در آن مراسم به مرور خاطراتش از برنامه هنر هفتم پرداخت و گفت همان سال‌ها دانشجو و عاشق سینما بوده است: «همان روزهایی که دانشجوی دانشگاه تهران بودم مطلبی درباره فیلم «مرگ در قطار سریع‌السیر شرق» نوشتم و به برنامه عالمی دعوت شدم تا درباره آن حرف بزنم».

مخاطب را به فکر وادار کنید

حرف‌های خود «عالمی» نیز در آن مراسم و درباره کارها و فعالیت‌هایش جالب است: «اولین ترسم از اساتیدم یعنی هوشنگ کاووسی و خسرو سینایی بود که نکند چیزی را اشتباه بگویم و آن‌ها بگویند غلط است. دومین ترسم از دانشجویانم بود. در کلاس درس شما فقط درس نمی‌دهی بلکه چیزهایی هم یاد می‌گیری. ترس سومم هم از مردمی بود که مالیات می‌دهند که مجری تلویزیون جلو آینه جلوه‌گری کند... من به عنوان معلم رشته کارگردانی در دانشکده‌های مختلف سینمایی کشور با ۴۴ سال سابقه به شما می‌گویم مخاطب در مرکز توجه قرار دارد؛ طبیعی است آن کسانی که فیلم‌نامه می‌نویسند و تهیه‌کننده آن فیلم‌نامه و بازیگران و عوامل را انتخاب می‌کند و بعد بازیگرها و... باید مراقب باشند مخاطب در مرکز توجه قرار گرفته باشد.

به نظرم چیزی که در تلویزیون غفلت شده این است که ما مخاطب را به معنای عمیق کلمه نمی‌خواهم بگویم پرورش ندادیم و آموزش ندادیم، اما سلیقه اش را سمت و سو ندادیم؛ بهترین کار این است که کاری کنیم مخاطبان به فکر فرو بروند و سایه به سایه منتقدان، فیلم‌ها را نقد کنند و آن‌گاه خواهید دید آدم‌های ضعیف به خودی خود مجبورند از گردونه پا به فرار بگذارند...».

به من نهیب زد

ابراهیم حاتمی کیا درباره‌اش نوشت: «... سال ۵۹ جوانی بودم ۱۹ ساله، عاشق فیلم‌برداری. برای اولین بار در کلاس‌های فیلم‌سازی شرکت کردم و شدم شاگرد استاد اکبر عالمی. دلچسب‌ترین کلاس‌های فیلم‌سازی. او با کیف چرمی بزرگی وارد کلاس می‌شد و همچون شعبده‌بازان یکی یکی از کیف، اسلاید و کتاب و ابزاری بیرون می‌کشید و ساعت‌ها به شیوه سمعی و بصری شاگردان را سِحر می‌کرد. استاد به من جسارت داد و من در زیرزمین خانه، فیلم سوپر ۸ را که ۱۵ متر طول داشت ظاهر کردم. باوری که استاد به ما می‌داد از جنس سحر بود. او ایمانی می‌داد که فراتر از تکنیک بود... .

سال ۶۷ با پایان جنگ وارد دانشگاه شدم. گرفتار فیلم ساختن بودم. فضای دانشگاه برایم سخت شد و تصمیم به ترک تحصیل گرفتم. کسی خم به ابرو نیاورد؛ جز استاد عالمی که به من نهیب زد باید برگردم و قوانین خشک آموزشی را به همت خودش کنار زد و چه لذتی داشت دوباره در کلاس استاد عالمی نشستن... سینمای ایران، بزرگ استاد سینمایش را از دست داد. خدایش او را قرین رحمت کند... الهی آمین».

روزمره نگاری

پروتکل انسانی، کشک!

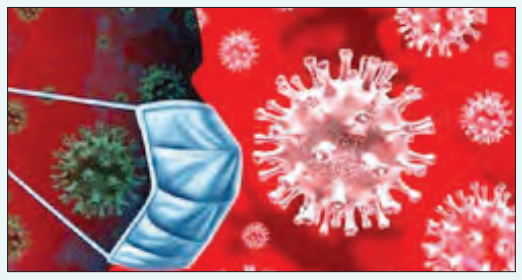

رقیه توسلی: اوایل خیابان غفوری، جلو شیرینی‌فروشی تازه تعطیل، اتفاق بدی در حال وقوع است. آن‌قدر ناخوشایند که برای نخستین بار در عمرم دوست دارم بروم وسط جمعی، موعظه کنم.

پنج نوجوان -قاطیِ هم- دارند از سیگار مشترکی استفاده می‌کنند. یکی‌شان ماسک بسته البته برای محافظت از چانه‌اش. یکی هم که از بقیه آتش‌پاره‌تر به‌نظر می‌رسد مدام با دوستانش بنای کُشتی خیابانی می‌گذارد.

می‌خواهم به «آقای همسر» پیشنهاد بدهم برای دومین بار زحمت تذکر را بکشد که با دیدن صحنه‌ای پشیمان می‌شوم. ۶ جوان دیگر از باشگاه مثلاً تعطیل می‌آیند بیرون و به دورهمی سیگاری‌ها ملحق می‌شوند.

از کوره درمی‌روم. آفتابگیر ماشین را می‌دهم پایین و توی آینه داد می‌زنم: به خیالشان کرونا حریف تمرینی‌شان است و ازشان حساب می‌برد و یقه نمی‌چسبد! ببین چه پارتی راه انداخته اند! حماقت! حماقت! وای از حماقت!

وسط غرولندم که سمندی می‌ایستد و برای جمعیت بوق می‌زند. دو نفر از معرکه دوستانه جدا می‌شوند و می‌روند. می‌پایمشان. همان‌طور بی‌خیال و بی‌ماسک اضافه می‌شوند به آدم‌های توی ماشین. همان‌طور بی‌تفاوت دست می‌دهند. همان‌طور یله، نارنگی که روی داشبورد است را پوست می‌کنند و می‌خورند. پروتکل بهداشتی، کشک! ماست! دوغ!

ترجیح می‌دهم حالا که تماشاچی ناتوانی بیش نیستم به ماجرا پشت کنم. اعتراف می‌کنم کاری از دستم برنمی‌آید. نه برای شیرینی‌فروشی شلوغی که امروز متأسفانه بسته می‌بینمش، نه برای فرهنگ همشهری‌هایی که خودشان را به خواب زده‌اند.

خودم را مشغول موبایل می‌کنم بلکه مکالمه تلفنی آقای همسر زودتر تمام شود و راه بیفتیم. اما انگار اخبار دردناک مختص خیابان غفوری نیست و کلاً روز، روز قمر در عقربی است. خبری می‌خوانم که بغرنجی سکه و دلار و آمار کووید را مثل سیل می‌شورد و می‌برد. انگار باید من بعد یاد بگیریم چگونه با خروار خروار رنج استخوان‌سوز بسوزیم و بسازیم.

هر چه زور می‌زنم خبر «کیوان-الف و تجاوز به ۳۰۰ دختر» را نمی‌توانم هضم کنم، همان‌طور که حلقه ورزشکاران مشغول گپ زدن را.

پی نوشت: تلفن را سُر می‌دهم توی کیف دستی. به اندازه کافی روز عجیب و غریبی بوده. حوصله سکانس تازه‌ای را ندارم اما مقدر شده انگار باز هم ابرو بالا بدهم. توی کیفم کتاب «والدین سمّی» سوزان فوروارد جا خوش کرده.

آن روزها

یادتان هست؟

قدس زندگی: اگر از اهالی پیگیر فضای مجازی باشید حتماً به خاطر دارید که حدود دو سال پیش نام فرزند سفیر کشورمان در دانمارک و همسرش حسابی سر زبان‌ها افتاده بود. امیرحسین مرادی و آناشید حسینی زوج جنجالی آن روزهای اینستاگرام بودند که به واسطه افشاگری‌های طلبه اینستاگرامی یعنی سید محمد مهدی صدرالساداتی نامشان سر زبان‌ها افتاده بود. صدرالساداتی آن زمان فرزند سفیر ایران را بابت عروسی و سبک زندگی لاکچری‌اش حسابی موردانتقاد قرار داده بود.

حالا و پس از گذشت چندین سال از آن ماجرا، امیرحسین مرادی با انتشار خبر جدایی‌اش از آناشید حسینی، صدرالساداتی را مقصر اصلی این موضوع دانسته است. در بخشی از پست جنجالی او آمده: «تقریباً دو سال پیش درست در شب عروسی من، شبی که برای همه بهترین شب زندگیشان حساب می‌شود تو با هر نیتی که داشتی آن شب را برای من تبدیل به بدترین شب زندگی‌ام کردی. هرچقدر از تو خواهش کردم هرچقدر با تو حرف زدم هرچقدر دلیل آوردم که آن عروسی لاکچری نبود و من هیچ چیزی از آن عروسی منتشر نکردم، زیر بار نرفتی و با سؤالات و استدلال‌هایت شرایط را برای من پیچیده‌تر کردی. یادت می‌آید از تو خواستم از قم به تهران بیایی و از نزدیک با ما آشنا شوی؟ یادت می‌آید از تو خواستم تحقیقی در مورد پدر و خانواده‌ام کنی؟ یادت می‌آید گفتم همسرم مدتی است با حجاب شده و توان تحمل این فشار را از سمت مذهبیون به اصطلاح مذهبی ندارد؟ یادت می‌آید با شعار #صدرالساداتی_تنها_نیست تشویقت می‌کردند و تو روز به روز خوشحال‌تر به ادامه راهت امیدوار می‌شدی؟ یادت هست چندبار به تو گفتم نوک این پیکان عدالت‌خواهی‌ات آن‌قدر سنگین می‌شود که با سر به زمین خواهی خورد؟ سید مهدی تو زندگی‌ام را گرفتی».

صدرالساداتی هم البته ادعای پسر سفیر را بی‌پاسخ نگذاشته و در اینستاگرامش پاسخ مرادی را داده است. در پایان بخشی از دفاعیه او را می‌خوانید: «برادر عزیز! یادتان هست در مکالمه خصوصی گفتم این فخرفروشی که شما و عیالتان می‌کنید و آه از نهاد افراد عادی و مستضعف جامعه بلند می‌کنید، آن هم به عنوان یک آقازاده، این آه‌ها بی‌اثر نیست؟! یادتان هست آن همه عکس‌های سفر به اروپا؟! آن لباس‌های برند آنچنانی؟! نشان دادن سینمای خصوصی دو نفره؟! یادتان هست گفتم من کاری به شخص شما و عیال شما ندارم و چند جمله‌ای پدر شما به عنوان سفیر جمهوری اسلامی را مخاطب قرار دادم و تذکر دادم و شما خودتان را جلو انداختید؟! برادر عزیزم! این را هر انسانی درمی‌یابد که اساس زندگی به عشق است و یک عشق محکم با این حرف و حدیث‌هایی که چند روز در سال‌های گذشته بر شما گذشته کمرنگ نمی‌شود، بلکه هر روز و هر ساعت و هر لحظه با انس با معشوق اوج می‌گیرد و عمیق‌تر می‌شود! اگر بنیانی از عشق پا برجاست، ان‌شاءالله پایدار می‌ماند!»

۱۰ ۱۱

ورزش

تلاش برای جذب بهترین نفرات در شهرخودرو

بادامکی: هواداران هوای رحمتی را داشته باشند

پایان سکوت کاپیتان پرسپولیس

دنبال حل مشکلات هستیم نه پاداش‌هایمان

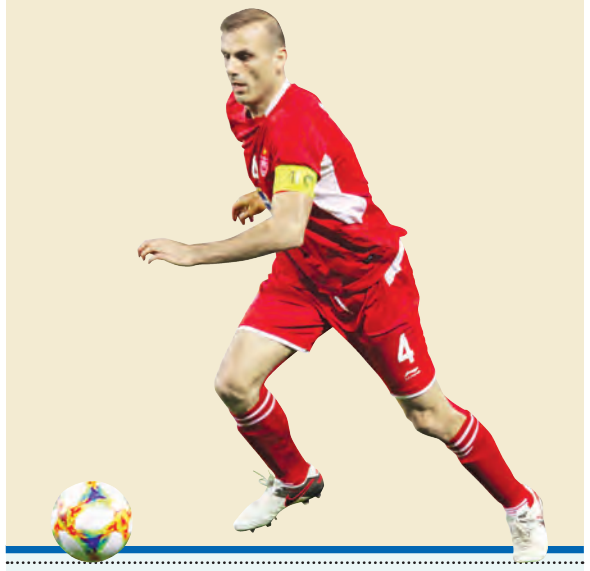

می‌خواهم باز هم قهرمان لیگ تنیس روی میز شوم

عالمیان: به دنبال هت‌تریک در المپیک هستم

مجاز آباد

روحش شاد

پس از انتشار خبر درگذشت اکبر عالمی، استاد رنگ و نور و لابراتوار، عکاس و مستندساز و مجری متبحر برنامه سینمایی «هنر هفتم» به دلیل ابتلا به کرونا، کاربران فضای مجازی هشتگ مرتبط با نام او را در توییتر فارسی داغ کردند. کاربری دراین‌باره نوشته است: «برنامه مورد علاقه‌ام هنر هفتم بود با مجری با وقاری که کلمات تخصصی سینما رو شمرده شمرده و واضح تلفظ می‌کرد. بعد از هر برنامه می‌رفتم سراغ مجله‌های قدیمی مثل هنر سینما و این‌بار با دید تازه‌ای مطالبش رو می‌خوندم. روحش شاد».

مسافرها به سلامت رسیدند

زینب سلیمانی، دختر شهید قاسم سلیمانی پس از بازگشت پیکر مطهر شهدای خان‌طومان به کشور و برگزاری مراسم تشییع آن‌ها در حرم رضوی، متنی را در صفحه اینستاگرام خود منتشر و با خانواده‌های شهدا همدردی کرد. در بخشی از پست اینستاگرامی زینب سلیمانی آمده است: «خانواده‌های عزیز و گرانقدر این هشت شهید! اگر الان بابا حضور داشتند، قطعاً اولین کسی بودند که در خانه‌هایتان را می‌زدند...، اما قلوبتان آرام؛ چرا که همین الان هم بابا به تک تک فرزندانتان سرزدند و آرامشان می‌کنند. بابا جان! دلتان آرام، مسافرهایتان به سلامت رسیدند».

طرح توزیع تبلت میان کودکان بی‌بضاعت

پس از حواشی ایجاد شده درباره خودکشی کودک ۱۱ ساله به دلیل عدم دسترسی به تلفن همراه هوشمند، احمد نادری، نماینده مجلس در خصوص تأمین تبلت برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت در توییتی نوشت: «طرح دوفوریتی تهیه ۳ میلیون تبلت و گوشی هوشمند برای دانش‌آموزان بی بضاعت را حدود یک‌ماه پیش تهیه و با جمع‌آوری حدود ۴۰ امضا سابمیت کردم. اعلام وصول شده و در نوبت قرار دارد. مطابق این طرح، دولت مکلف خواهد شد از محل‌های بودجه‌ای مشخص شده، ۳ میلیون ابزار تهیه و در اختیار آنان قرار دهد».

قطاری که راه افتاده را سنگ نزنید

سفر قالیباف به سیستان بلوچستان و نظارت میدانی‌اش بر پروژه‌های در حال انجام اگرچه مورد تحسین کاربران قرار گرفته اما برخی از کاربران فضای مجازی هم این دست اقدام‌ها را نمایشی دانسته‌اند. این دسته از کاربران به خصوص در زیر آخرین پست توییتری رئیس مجلس انتقادهایی را نسبت به سفر او به مناطق محروم مطرح کرده‌اند. محمدسعید احدیان، دستیار رسانه‌ای قالیباف هم در واکنش به سفرهای رئیس مجلس و انتقادهای پیرامون آن در توییتر نوشت: «آن‌هایی که نظارت میدانی رئیس مجلس و دیگر نمایندگان محترم را توریسم فلاکت و شوآف می‌دانستند، حاضرند عذرخواهی کنند؟ قطاری را که به راه افتاده سنگ نزنید».

طارمی: برای ویلموتس مهم نبود چه اتفاقاتی می‌افتد

ورزش: مهاجم تیم ملی فوتبال ایران گفت: اسکوچیچ به سیستم‌های گذشته اتکا نکرده و یک سیستم جدید را به تیم ملی آورده است. طارمی درباره جلسات پی در پی اسکوچیچ با ملی پوشان در اردو تصریح کرد: اسکوچیچ به شدت مشتاق یاد دادن است و ما هم مشتاق یادگیری. اسکوچیچ حتی موقع نهار و شام هم بین بازیکنان می‌آید و توضیح می‌دهد. او اشتیاق زیادی به فعالیت دارد و برخلاف مربی قبل {ویلموتس} که اصلاً برایش مهم نبود چه اتفاقی می‌افتد با برنامه مباحث را پیش می‌برد.

رضا قوچان نژاد: شکار فوق جذاب تراکتور

ورزش: رضا قوچان نژاد بزرگ‌ترین هدف نقل و انتقالاتی تراکتور پیش از شروع لیگ بیستم به شمار می‌رود. رضا قوچان نژاد که سابقه بازی در هیچ کدام از تیم‌های ایرانی را ندارد و سال‌های زیادی است که در لیگ‌های اروپایی به میدان می‌رود، پیشنهاد رسمی تراکتور را دریافت کرده و قرار است به زودی با مالک و مدیرعامل تراکتور برای میز مذاکره بنشیند. علیپور، مدیرعامل تراکتور در مورد مذاکره باشگاه تراکتور با رضا قوچان‌نژاد گفت: مذاکره‌ای نبوده، فقط پیشنهادی از سمت ما مطرح شده بود اما بعید می‌دانم با این شرایط این انتقال صورت بگیرد.

عابدزاده: انرژی جدیدی به تیم ملی آمده است

ورزش: امیر عابدزاده، دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایران درخصوص کادر فنی جدید این تیم خاطرنشان کرد: مربی دروازه‌بانان تمرینات بسیار خوب و شادابی داشت و با همه دروازه‌بانان به خوبی رفتار می‌کرد.
با او احساس گرمی کردیم. اسکوچیچ هم تمرینات بسیار خوبی داشت و برای همه برنامه دارد.
او به نکات ریزی اشاره می‌کند و به جزئیات می‌پردازد. اکنون انرژی جدیدی در تیم ما وجود دارد.

کریستیانو رونالدو به کرونا مبتلا شد

ورزش: فدراسیون فوتبال پرتغال دقایقی پیش اعلام کرد که تست کرونای کریستیانو رونالدو مثبت شده است. فوق ستاره پرتغالی که در اردوی تیم ملی کشورش برای بازی مقابل سوئد در لیگ ملت‌های اروپا حضور داشت، این بازی را از دست خواهد داد و باید به قرنطینه برود. طبق گزارش‌ها رونالدو فعلاً علائم بیماری از خود ندارد ولی از هم تیمی هایش هم جدا شده و تحت کنترل پزشکان قرار دارد. رونالدو نه تنها بازی پرتغال برابر سوئد را از دست خواهد داد که طبق پروتکل های سری آ بایدبس از ورود به ایتالیا دو هفته در قرنطینه قرار بگیرد و قطعاً چندین بازی یوونتوس را از دست خواهد داد.

ضد حمله

با توافق پرسپولیس – تراکتور

سوپرجام فوتبال ایران در نیم فصل انجام می‌شود

ورزش: دیدار سوپرجام بین پرسپولیس و تراکتور با تصمیم سازمان لیگ فوتبال ایران در نیم فصل برگزار می‌شود این دیدار قرار بود روز پنجم آبان پنج روز پیش ازشروع لیگ بیستم برگزار شود اما حالا سازمان لیگ تصمیم گرفت که این دیدار لغو و به زمان دیگری موکول شود.

مخالفت فدراسیون فوتبال ترکیه با برگزاری دیدار ایران – مالی

ورزش: لیتلای چند بازیکن تیم ملی مالی به ویروس کرونا در اردوی این تیم در ترکیه، لغو دیدار دوستانه مقابل ایران را به دنبال داشت. فدراسیون فوتبال مالی روز گذشته طبق هماهنگی با فدراسیون فوتبال ایران نامه لغو این دیدار دوستانه را منتشر کرد، اما تصمیم‌گیری در این زمینه به فیفا و فدراسیون فوتبال ترکیه که مسئول برگزاری مسابقه بود، سپرده شد. نامه فدراسیون فوتبال مالی نیز در جلسه هماهنگی پیش از مسابقه جزو مدارک ارائه شده بود و فدراسیون فوتبال ترکیه صبح دیروز با اعلام رسمی به فدراسیون فوتبال ایران با برگزاری این بازی مخالفت و لغو این دیدار را تأیید کرد.

پیشنهاد سعودی ها به AFC

الهلال – پرسپولیس؛ شاید یک فینال عجیب!

ورزش: یک روزنامه عربستانی اعلام کرده که یکی از پیشنهادها به اف اف سی این بوده که اگر تیم‌های شرق آسیا نتوانستند به دوحه بیایند، الهلال فینالیست شودروزنامه الشبابیه عربستان از این پیشنهاد پرده برداشته و نوشته که این پیشنهادی جدی است که به کنفدراسیون فوتبال آسیا داده شده. این در حالی است که باتوجه به عدم پایان حی لیگ و همچنین قوانین سخت گیرانه دو کشور چین و کره جنوبی، نمایندگان این کشورها با مشکلات زیادی برای سفر به دوحه مواجه هستند اما به هر حال بعید است که اف ای سی چنین تصمیمی را بگیرد.

غیبت ادامه دار بازیکنان شاکی در تمرین پرسپولیس

ورزش: دومین تمرین تیم پرسپولیس پس از بازگشت این تیم از رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا صبح دیروز در ورزشگاه شهید کاظمی برگزار شد. مانند روز گذشته سید جلال حسینی، کمال کامیابی‌نیا، امید عالیشاه و مهدی شیری به دلیل دریافت نکردن آپشن قرارداد خود راضی به حضور در این ورزشگاه و شرکت در تمرینات پرسپولیس نشده و ملی‌پوشان و بازیکنان خارجی پرسپولیس هم دیگر غایبان این تمرین بودند.

دیدار دوستانه استقلال با تیم عنایتی

ورزش: تیم هوادار در بازی دوستانه به مصاف استقلال تهران خواهد رفت. تیم فوتبال استقلال تهران از دیروز در تهران اردو برپا کرده و یک بازی دوستانه در دستور کار آبی پوشان قرار گرفته است. دیدار دوستانه استقلال و تیم هوادار روز شنبه، ۳ آبان از ساعت ۱۵ در مجموعه ورزشی آزادی برگزار می‌شود. هدایت تیم هوادار برعهده غلامرضا عنایتی، کاپیتان سابق استقلال است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور:

ورود دستگاه قضایی به پرونده ویلموتس به‌خاطر فساد مالی است

ورزش: رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: در بحث ویلموتس سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال، صرفاً به فساد و مشکلاتی که در این حوزه متوجه مسئولان مربوط بوده ورود پیدا کردیم.
جحت الاسلام حسن خیروبشیان با اشاره به پیگیری‌های که در مورد پرونده مالی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران صورت گرفته است، گفت: در حوزه فیفا و فدراسیون فوتبال کشورمان دستور داده شد تا با بررسی نکات، بنابراین ورود ما از باب دخالت حاکمیت در حوزه ورزش نیست بلکه فسادی رخ داده و پرونده تشکیل دادیم و تخلفات را به مرجع قضایی منعکس کردیم. رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: قراردادهای متعددی چه در فوتبال و سایر رشته‌های ورزشی مورد بررسی قرار گرفته است به تازگی نیز بحث فدراسیون بیلیارد مطرح شد که گزارش مربوط به آن را کل گذشته ارائه کردیم.

پایان سکوت کاپیتان پرسپولیس

دنبال حل مشکلات هستیم نه پاداش‌هایمان

ورزش: سیدجلال حسینی کاپیتان سرخ‌ها در خصوص وضعیت این روزهای پرسپولیس می‌گوید: وقتی از بازی‌های سخت لیگ قهرمانان توانستیم با صعود به فینال خارج شویم، انتظار این را داشتیم که هواداران و البته تیم در بهترین وضعیت باشند. همین بازیکنان بهترین درآمدزایی را برای باشگاه داشتند. اصلاً دلیل حضور در آسیا به جسر افتخار و در کنار آن مگر درآمدزایی نیست؟ بازیکنان توانستند از این حیث بهترین درآمدزایی را داشته باشند اما الان همچنان مشکلات پابرجاست.
سیدجلال حسینی با درخواست برای حل مشکلات تیم گفت: پرسپولیس خودش درآمد داشته است. توانسته طی این مدت با حضور در آسیا بخش قابل توجهی منابع مالی کسب کند و سوال همه ما این است که چرا وجود صعود دوباره به فینال و موفقیت‌های قبلی آسیا، همچنان درگیر مشکلات مالی است.

کی مشکلات حل می‌شود؟

سید جلال گفت: دیدید در مسابقات سخت آسیایی علیرغم تمام مشکلات و تفاوتی که با دیگر تیم‌ها داشتیم بازیکنان تا سر حد جان جنگیدند و خوشبختانه به فینال رسیدند. اما ماحصل آن چه شد که نه بازیکن و نه هوادار نمی‌تواند از این افتخار و موفقیت لذت ببرد و خوشحال باشد و بیشتر از قبل باید نگران مشکلات و خطراتی که تیم را تهدید می‌کند باشیم؟ وی با اشاره به مشکلات تیم گفت: الان این موضوع وجود دارد و فردا هم باید منتظر بحث و پرونده کالدرون و بودیمیر و . . . باشیم. تا کی باید این مشکلات ادامه داشته باشد؟ هر روز کام هوادار با موضوعی تلخ شود و تلاش و موفقیت تیم در سایه قرار گیرد. ما فقط دنبال یک جواب هستیم؛ کی مشکلات حل می‌شود و چرا برای حل کامل ماجرا تلاشی که هوادار انتظار دارد صورت نمی‌گیرد.

مشکلات پشت موفقیت تیم پنهان شده اند

کاپیتان پرسپولیس در واکنش به این پرسش که گفته می‌شود غیبت آن‌ها در تمرین به دلیل عدم دریافت پاداش و آپشن‌هاست نیز گفت: اصلاً برخی به دنبال ماهی گرفتن از آب گل‌آلود هستند. ما فصلی که با آقای برانکو همه جاهوا را گرفتیم من از احمد، سیامک، کمال، عالیشاه، انصاری و... خواستیم که با توجه به شرایط باشگاه بین ۳۰ تا ۴۰ درصد تخفیف بدهند تا مشکلی پیش نیاید. خوشبختانه خود بازیکنان هم خیلی زود پیشقدم شدند و رضایت کامل و دلی این موضوع را انجام دادند. بهتر است کسی از این اوضاع و آب گل‌آلود ماهی نگیرد و حرف شدن و شکل دادن این شایعات اصلاً درست نیست و بهتر است به جای اینکه بازیکن را روبه‌روی هوادار قرار دهند، این موضوع را بپذیرند که ما در کنار هوادار هستیم و جواب پنهان است. ما به کارمان و تمرین قطعاً ادامه می‌دهیم و مثل همیشه تلاش خواهیم کرد. برای خوشحالی بیشتر هوادار. کاری که تا به امروز هم انجام دادیم.

تلاش برای جذب بهترین نفرات در شهرخودرو

بادامکی: هواداران هوای رحمتی را داشته باشند

ورزش: مربی تیم فوتبال شهرخودرو معتقد است که این تیم و مهدی رحمتی برای نتیجه گرفتن به زمان نیاز دارندحسین بادامکی مدیر فوتبال تیم شهرخودرو در مورد آخرین شرایط این تیم عنوان کرد: خدا را شکر تمرینات خوبی را انجام می‌دهیم و روزانه دو جلسه تمرین برگزار می‌کنیم. به غیر از یکی دو مصدوم، بقیه بچه ها آماده هستند و زیر نظر کادر فنی کار می‌کنند. امیدوارم شروع خوبی در لیگ داشته باشیم.

جذب نفرات بهتر

سؤال بعدی از بازیکن سابق پرسپولیس در مورد جدایی بازیکنانی نظیر میلاد سرلک و خلعتبری بود که او در واکنش به این پرسش بیان کرد: بلاخره بعد از پایان هر فصل این طبیعی است. با توجه به شرایط باشگاه، خود بازیکن ها و نظر کادر فنی متأسفانه چند بازیکن از تیم جدا شدند. روابط صمیمانه ای با بازیکنانی که جدا شدند داشتیم و امیدوارم در تیم جدیدشان موفق باشند. باشگاه تلاش می‌کند نفراتی که جذب می‌کند به تیم کمک کنند.

کمک به رحمتی

او در پاسخ به پرسش بعدی که چگونگی همکاری با مهدی رحمتی به عنوان سرمربی تیم بود، اضافه کرد: ایشان نخستین تجربه مربیگری را سپری می‌کند. فکر می‌کنم همه باید به او کمک کنند. رحمتی در حال تلاش است تا شرایط تیم بهتر شود. باید همه دست به دست هم بدهیم که شروع مربیگری او که کار سختی هم هست، موفق باشد.

شروع در خانه

شهرخودرو مصاف اول خود را مقابل ماشین سازی برگزار خواهد کرد. بادامکی در پاسخ به سؤالی در این زمینه گفت: این تیم در چند سال اخیر یکی از تیم‌های خوب لیگ بوده است و نباشد که است. بازیکنان جدید گرفته و کار فنی عوض کردهاند. بازی اول در خانه خودمان است و امیدوارم بتوانیم شروع خوبی داشته باشیم.

عملکرد در آسیا؟

سؤال بعدی از بادامکی در رابطه با عملکرد به تیم فوتبال شهرخودرو در بازی‌های آسیایی بود و او در این مورد این طور توضیح داد: چند بازیکن تیم ما جدا شده بودند و نتوانستیم بازیکنان جدید را به دلیل محرومیت به قطر ببریم. از سوی دیگر دوستانی خوبی در گروهمان بودند. فکر می‌کنم با توجه به بضاعتی که داشتیم، عملکرد خوبی داشتیم. از نظر نتیجه عملکرد خوبی نداشتیم، ولی از نظر نوع بازی و تلاش بچه‌ها راضی کننده بود.

انتظارات بالای مردم

حسین بادامکی که یکی از باتجربه ترین بازیکنان مشهد است، مدعی شد: مردم در هر دو تیم سپاه جامگان و پدیده (شهرخودرو فعلی) بازی کرده است. در واکنش به این پرسش که چه تفاوتی میان پدیده مشهد و شهرخودرو فعلی می‌بینید، بیان کرد: خب شرایط نسبت به گذشته خیلی تفاوت کرده است. سیاست‌های باشگاه کاملاً متفاوت شده است. با توجه به نتایج دو سال اخیر هم انتظارات مردم بالا رفته و کار سخت‌تر شده است. وظایف من هم الان نسبت به گذشته تغییر زیادی کرده و خیلی سخت‌تر شده است.

مشکلات مالی

بادامکی در واکنش به این پرسش که آیا باشگاه شهرخودرو با مشکلات مالی مواجه شده، این طور توضیح داد: نمی‌دانم این صحبت‌ها از کجا می‌آید. الان همه جامعه ما دچار مشکلات اقتصادی شده است. به خصوص فوتبال تیم‌های خصوصی مشکلات خاص خودشان را دارند. باید از آقای حمیدوای تشکر کرد که برای فوتبال در این شرایط هزینه می‌کنند. الان هم که تماشاگران حضور ندارند و فوتبال سخت تر شده است.

قیمت‌های عجیب بازیکنان

او سیس با انتقاد از قانون عدم جذب بازیکن و مربی خارجی بیان کرد: این قانون جدید هم مشکلات زیادی برای تیم ما ایجاد کرده است. قیمت بازیکنان داخلی عجیب و غریب شده و نمی توان مقابل آن را گرفت. با توجه به تورم اقتصادی کار سخت است. با این حال تلاش می‌کنیم بهترین نفرات را جذب کنیم.

حمایت از تیم

او با خطاب قرار دادن هواداران شهرخودرو گفت: فکر می‌کنم باید نگاه واقع بینانه ای به این موضوع داشته باشیم. درست است که تیم در دو سال اخیر شرایط خوبی داشته است و تیم تغییرات زیادی داشته است. کادر فنی و بازیکنان تغییر کرده اند. باید حوصله داشته باشیم و از تیم حمایت شود. درست است که هواداران در ورزشگاه حضور ندارند، ولی حرف هایشان در فضای مجازی و خوشرنگ در تمرینات می‌تواند باعث دلگرمی شود. آقای رحمتی کار سختی دارد، ولی با صبر زیاد این تیم می‌تواند خواسته هواداران که به حق هم هست را جامه عمل بپوشاند.

مدعی قهرمانی

کاپیتان اسبق باشگاه پرسپولیس در مورد شرایط این تیم در فصل جدید گفت: همه ما دیدیم که پرسپولیس در آسیا چه زهر چشمی از همه گرفت. کل‌محمدی هم صلابت تیم برانکو را حفظ کرد و هم توانست نفرات خوبی به تیمش اضافه کند. من فکر می‌کنم این پرسپولیس می‌تواند قهرمان آسیا شود به این شرط که مدیران تیم به وعده‌های شان عمل کنند و نگذارند شاکله تیم از هم بپاشد. در لیگ برتر هم به مانند همیشه پرسپولیس شانس اول قهرمانی است و بقیه تیم‌ها باید تلاش بسیاری کنند تا این تیم را متوقف کنند.

فرمول پیچیده استقلال و قایدی؛

ماندن یا نماندن؟!

سینا حسینی: ماجرای جدایی روزبه چشمی از استقلال بدون اینکه یک ریال برای باشگاه آورده مالی داشته باشد، نشان داد یکی از معضلات کلیدی در باشگاه استقلال موضوع عقد قراردادهای یک‌طرفه با بازیکنان است که با وجود اعمال رقم‌های نجومی هیچ تبعات مالی مثبتی برای باشگاه استقلال به همراه ندارد!
در حال حاضر مهدی قایدی به واسطه درخشش در بازی‌های فصل گذشته‌اش با پیشنهادهای وسوسه کننده رو به‌رو شده است. تا حدی که با احتساب افزایش نرخ ارز می‌توان درآمدنامه‌ای از این انتقال را شگفت انگیز توصیف کرد! اما هواداران مخالف جدی فروش این بازیکن هستند و معتقدند این بازیکن نباید به هیچ قیمتی از استقلال جدا شود.
در اینکه قایدی می‌تواند یک عنصر تأثیرگذار برای موفقیت تیم به حساب آید هیچ تردیدی نیست، اما حقیقتی تلخی که در این میان وجود دارد، این است که او چنانچه در استقلال بماند و فصل بعد از استقلال جدا شود همانند روزبه چشمی هیچ آورده‌ای برای مجموعه استقلال ندارد!
مگر اینکه قراردادی جدید امضا کند، البته نه نظیر قراردادی که روزبه چشمی با احمد سعادتمند امضا کرد که با استناد به بند جدایی اش خیلی راحت قید استقلال را زد و بدون ریالی پرداختی به ام العلال قطر پیوست!

دوراهی پیچیده

آن‌ها درصورت جدایی احتمالی دیابانه و قایدی حتماً باید یک‌میلیارد جذب کنند و درصورت جدایی میلیچ باید سراغ یک‌دفاع چپ بروند. جالب اینکه در چنین شرایطی خبر رسیده استقلالی‌ها در روزهای اخیر مذاکراتی با مدیربرنامه‌های پرسپولیس داشته‌اند تا درصورت جدایی میلیچ با او قرارداد امضا کنند.
مدیران باشگاه استقلال در حال حاضر بر سر دو راهی بزرگی قرار گرفته اند، از یک سو پیشنهاد وسوسه کننده خارجی و سهم شگفت انگیز استقلال از این ترانسفر و از طرفی عدم تمدید مهدی قایدی برای امضا قرارداد جدید با شرایط خاص باشگاه مبنی بر نبود بند جدایی بدون هزینه، فرایند تصمیم گیری را بسیار سخت کرده است، باید دید در نهایت چه تصمیمی در این رابطه گرفته خواهد شد!

گزارش کوتاه

ستاره‌های کشتی به خط شدند حتی پلنگ جویبار

ورزش: با توجه به اینکه تیم‌های ملی کشتی ایران حدود دو ماه تا شروع مسابقات جهانی فرصت دارند، خیلی زود برنامه‌ریزی برای استارت اردوها بعد از اعلام اتحادیه جهانی آغاز شد.
رقابت‌های کشتی قهرمانی بزرگسالان جهان روزهای ۲۲ تا ۳۰ آذرماه در شهر بلگراد کشور صربستان برگزار می‌شود و اولین مرحله از اردوی تیم ملی کشتی آزاد برای حضور در رقابت‌های جهانی صربستان روزهای ۲۵ مهر تا ۸ آبان ماه در محل خانه کشتی شهید ابراهیم هادی برگزار خواهد شد.
غلامرضا محمدی ۲۹ کشتی گیر را در مرحله اول به اردو دعوت کرده تا بعد از گذراندن تست کرونا وارد اردو شوند. البته اعلام شده با توجه به سوابق قهرمانی رضا یزدانی، او به محل فدراسیون کشتی دعوت می‌شود تا پس از جلسه با کادر فنی در خصوص حضور وی تصمیم گیری شود. باید دید پلنگ جویبار بعد از مدت‌ها دوری با دیگر می‌تواند به ترکیب تیم ملی بازگردد یا خیر.
اسامی نفرات دعوت شده به این اردو به شرح زیر است:
۵۷ کیلوگرم: رضا اطوری (مازندران) علیرضا سرلک (لرستان) رحمان عمورزاد (مازندران)
۶۱ کیلوگرم: بهنام احسان پور (مازندران) مجید داستان (تهران)
۶۵ کیلوگرم: امیرمحمد یزدانی (مازندران) امیرحسین مقصودی (تهران) میثم نصیری (زنجان) پیمان بیابانی (تهران)
۷۰ کیلوگرم: یونس امامی (تهران) امیرحسین حسینی (تهران) عرفان الهی (مازندران)
۷۴ کیلوگرم: مصطفی حسین خانی (تهران) محمد صادق فیروزپور (مازندران)
۷۹ کیلوگرم: بهمن تیموری (کرمانشاه) پیمان یاراحمدی (لرستان) علی سوادکوهی (مازندران)
۸۶ کیلوگرم: حسن یزدانی (مازندران) کامران قاسم پور (مازندران) احمد بذری (مازندران)
۹۲ کیلوگرم: علیرضا کریمی (البرز) محمدجواد ابراهیمی (مازندران)
۹۷ کیلوگرم: محمدحسین محمدیان (مازندران) مجتبی گلیج (مازندران) علی شعبانی (مازندران)
۱۲۵ کیلوگرم: پرویز هادی (آذربایجان شرقی) امیرحسین زارع (مازندران) بدالله محبی (کرمانشاه) عباس فروتن (مازندران)

منهای فوتبال

لیگ ملت‌های اروپا

کرواسی – فرانسه

چهارشنبه ۲۳ مهر – ۲۲:۱۵ از شبکه ورزش

لیگ ملت‌های اروپا

ایتالیا – هلند

چهارشنبه ۲۳ مهر – ۲۲:۱۵ از شبکه سه

می‌خواهم باز هم قهرمان لیگ تنیس روی میز شوم

عالمیان: به دنبال هت‌تریک در المپیک هستم

ورزش: ملی‌پوش تنیس روی میز ایران امیدواری کرد که بتواند یک قهرمانی دیگر را در لیگ برتر به همراه تیم جدیدش کسب کند.نوشاد عالمیان درباره امضای قرارداد با تیم فرانسوی تهران به منظور حضور در فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر تنیس روی میز اظهار کرد: فرانسوی سال گذشته نیز در لیگ حضور داشت و با ترکیبی از بازیکنان رده‌های سنی امید، جوانان و نوجوانان تیم خوبی را تشکیل داده و بازی‌های خوبی را ارائه کرد. مسئولان این تیم امسال تصمیم گرفته‌اند از قدرت بیشتری در لیگ حضور پیدا کنند و تیم را برای قهرمانی ببندند. بر همین اساس نیز به دنبال جذب چند ملی‌پوش هستند و من هم با آن‌ها قرارداد امضا کردم.
وی افزود: باید از فدراسیون تنیس روی میز، حمیدرضا صابری سرپرست و مدیر فنی این تیم و احسانی‌مهر مالک باشگاه تشکر کنم که در جهت حمایت از ملی‌پوشان قدم برداشته‌اند. در سال‌های گذشته حمایت خوبی از جانب تیم پتروشیمی داشتیم و خوشحالم که امسال چنین اتفاقی توسط یک تیم خصوصی رخ می‌دهد.

حضور بخش خصوصی

ملی‌پوش تنیس روی میز عنوان کرد: حضور چنین تیم‌هایی در لیگ برتر برای رشته تنیس روی میز بسیار خوب است و نیاز به حضور بخش خصوصی احساس می‌شود. مسأله‌ناشی از قدرت بیشتری در لیگ حضور کوچا جالب نیست و ورزشکاران درآمد زیادی ندارند. وسایل و تجهیزات به شدت گران شده و حضور تیم‌هایی همچون فرانسوی به ورزشکاران انگیزه می‌دهد.

حل مشکل بیمه

عالمیان با بیان اینکه مبلغ قراردادش رایانی کننده است درباره اینکه شبیه شده می‌شود مشکل بیمه‌اش نیز حل شده، گفت: این مسئله به همراه شغل مهندسی یک از دغدغه‌هایم بوده، چرا که به هر حال عمر دوره قهرمانی به پایان می‌رسد همه ما دچار مشکلات اقتصادی شده است. به خصوص فوتبال تیم‌های خصوصی مشکلات خاص خودشان را دارند. باید از آقای حمیدوای تشکر کرد که برای فوتبال در این شرایط هزینه می‌کنند. الان هم که تماشاگران حضور ندارند و فوتبال سخت تر شده است.

تمرینات خوب در فرانسه

وی درباره آخرین وضعیت تمرینات گفت: تمرینات خوبی را به همراه تیم فرانسه داریم و شرایطمان هم خوب است. اینجا هم با توجه به شیوع کرونا، پروتکل‌های بهداشتی به دقت زیادی رعایت می‌شود و ما هم مراقب هستیم تا دچار مشکل نشویم.

ارتباط با سرمربی تیم ملی

ملی‌پوش تنیس روی میز درباره عدم برگزاری اردوی تیم ملی و ارتباطش با سرمربی تیم ملی خاطرنشان کرد: چون کرونا باعث شده که وضعیت اردوها نامشخص باشد، واقعاً وضعیت خطرناکی را شاهد هستیم و اگر غفلت شود، ممکن است منجر به ابتلای ملی‌پوشان به کرونا شود. درست است که هنوز اردوی تشکیل نشده اما با جمیل لطف‌اللهنسبی در ارتباط هستیم و او هر روز وضعیت ملی‌پوشان از جمله من را پیگیری می‌کند.

هت تریک در المپیک

عالمیان که سابقه حضور در المپیک‌های ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو را دارد، درباره شانس کسب سهمیه بازی‌های ۲۰۲۰ توکیو گفت: شیوع کرونا باعث شد که برگزاری مسابقات انتخابی در هاله‌ای از ابهام باشد با این وجود دوست دارم یک بار دیگر به المپیک بروم و در این خصوص هت‌تریک کنم.

تعویق برگزاری دور برگشت لیگ برتر کشتی

ورزش: بعد از تصمیم اتحادیه جهانی کشتی مبنی بر برگزاری مسابقات فینالی دوره ۲۰۲۰ به میزبانی صربستان، مسئولان فدراسیون و سازمان لیگ با توجه به ضرورت برگزاری اردوهای تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی برگزار شدن دور برگشت لیگ برتر را به بعد از مسابقات جهانی موکول کردند.بدین ترتیب بعد از پایان مسابقات دور رفت گروه‌ب لیگ برتر کشتی فرنگی، کشتی‌گیران در اختیار تیم های ملی قرار خواهند گرفت.
دور برگشت بیستمین دوره لیگ برتر کشتی نیز بعد از مسابقات جهانی که قرار است از ۲۲ تا ۳۰ آذرماه در صربستان برگزار شود، پیگیری خواهد شد.

خیرآبادی: تیم‌ها یک‌بار مصرف شده‌اند

ورزش: رئیس هیئت کشتی استان کردستان با انتقاد از برخی اقدام‌ها در لیگ کشتی گفت: با این رفتارها تیم‌های یکبار مصرف در لیگ به وجود می‌آیند.
جمشید خیرآبادی با انتقاد از اتفاقات رخ داده در لیگ کشتی فرنگی اظهار داشت: این طور که پیداست مبنا و هدف لیگ را فراموش کرده‌اند و خیال می‌کنند به هر قیمتی می‌شود مسابقه را برگزار کرد. اصلاً این قهرمانی برای شما چیزی جز افتخار نیست؟خیرآبادی گفت: اول شدن در لیگ به چه قیمتی؟

ورزش در سیما

پذیرش ۳۷۰۸۸ آگهی

آگهی مفقودی
برگ سند کمپانی خودروی ۲۰۶ مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید به شماره انتظامی ۵۷۲۰۱۹ ایران ۷۴ شماره موتور ۱۶۷B۰۰۶۳۴۳۶۴ و شماره شاسی NAAP۱۳F۴E۴KJ۳۴۷۹۳۹ به مالکیت محمد جواد جاوان حاج مشهد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی
شناسنامه (برگ سبز) نوع کامیونت ون سیستم زامیاد مدل ۱۳۹۹ به رنگ آبی به شماره موتور ZF۳A۲۴۶۵۷VZ به شماره شاسی NAZFL۱۶۰۲TL۰۵۲۲۵۰۰ به شماره پلاک ۸۲ ایران ۳۳ بنام مژده نوروزی فرزند علی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی
برگ سند و کارت خودروی پراید مدل ۱۳۸۸ رنگ سفید به شماره انتظامی ۷۴۷۶۴۷ ایران ۱۲ شماره موتور ۳۹۵۲۲۶۰ و شماره شاسی S۱F۱۲۲A۸۹۸A۷۰۰ به مالکیت زهرا بهرامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی
جواز حمل و دفترچه اخذ فشنگ اسلحه شکاری خفیف بنام اینجانب مزار صلاحی به شماره ملی ۵۷۶۹۱۲۷۲۴۳۵ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی مفقودی
مجوز سلاح شکاری ساچمه زنی دوئل روی هم نه پر کوسه بشماره ۰۹۴۰-۰۸۲۳۰۰۰۹۸ بنام آقای حسن قربانیان سوم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی
برگ سبز و کارت خودروی پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۷ به رنگ نقره ای - آبی متالیک به شماره پلاک ۲۴۱ ق ۵۴ ایران ۷۳ به شماره شاسی ۱۲۳۷۶۷۷۳۸ وشماره موتور ۱۰۱۶۸۶۷۳۸۶۷۰۰ به اینجانب عصمت سبزه نوقابی مفقود وازدرجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی مفقودی
کارت هوشمند ناوگان به شماره انتظامی ایران ۷۸/ ۳۶۵ ع ۳۲ به شماره کارت ۲۷۹۹۸۹۱ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد. (قزوین)

آگهی مفقودی
سند کلیه مدارک خودرو پژو RD۵ مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید ای - آبی متالیک به شماره پلاک ۲۴۱ ق ۵۴ ایران ۷۳ به شماره شاسی ۱۲۳۷۶۷۷۳۸ وشماره موتور ۱۰۱۶۸۶۷۳۸۶۷۰۰ به اینجانب عصمت سبزه نوقابی مفقود وازدرجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی مفقودی
سند مدارک ، کارت ماشین ، تراکتور مدل ۸۵ به نام یزدان قلعه قرزند حسینعلی به شماره انتظامی ۳۴ ب ۸۱۷ ۰۷۲۷۶ ایران ۷۳ به شماره موتور ۹AW۰۲۳۷۲۶ وشماره شاسی ۲۷۲۵۱۰ مفقود گردیده وازدرج اعتبار ساقط می باشد .

آگهی مفقودی
مدرک گواهینامه موقت فارغ التحصیلی اینجانب سجاد توتک فرزند شمس علی به شماره شناسنامه ۱۱۴۲۸ درمقطع کارشناسی رشته رشته مهندسی مواد - خورگی و حفاظت مواد صادره از واحد دانشگاهی یزد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود مدرک را به دانشگاه آدار یزد ارسال نماید

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم
شرکت تعاونی مسکن شماره ۲ کارکنان شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه به شماره ثبت ۴۳۴۱۸۱ در تظاهرات با رعایت پروتکل های بهداشتی، جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم خود را که راس ساعت ۱۴ تا ۱۷ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۸ /۱۱ در محل پروژه دردشت تعاونی واقع در خیابان رسالت-خیابان دردشت-خیابان اولیایی-نرسیده به کلانتری ۱۴۷پاک ۱۱ برگزار نماید، اعضای محترم می توانند با به همراه داشتن کارت شناسایی و دفترچه عضویت حضورپهم رسانند.
دستور جلسه :
۱ –گزارش عملکرد هیئت مدیره.
۲– گزارش بازرسین موضوع ماده ۳۵ .
۳–طرح و تصویب صورتهای مالی سال ۱۳۹۸.
۴ – تثبیت قرارداد ناظر و دستگاه نظارت در خصوص پروژه تعاونی دردشت.
۵– گزارش و تثبیت قرارداد خدمات مشاور جهت اخذ پروانه ساختمانی از شهرداری .
۶–تصمیم گیری در خصوص افزایش تراکم و نحوه تقسیم آن بین اعضای پروژه دردشت .
۷– طرح و تصویب دستورالعمل حقوق و مزایای هیئت مدیره و بازرسین و مدیرعامل
۸ - حقوق و پاداش و حق جلسه هیئت مدیره و بازرسین به صورت ماهیانه.
۹–بررسی مجدد وضعیت تعدادی از اعضای تعاونی با توجه به مصوبه مجمع ۱۳۹۶ /۱۰/۲۱ .
۱۰– انتخاب ۳ نفر بازرس اصلی و یک نفر بازرس علی البدل مطابق موضوع ماده ۳۷ اساس نامه .
توضیحات:
آن دسته از اعضای محترم که قادر به حضور در مجمع نمی باشند، می توانند با تکمیل فرم مربوطه‌که هم در سایت تعاونی به نشانی www.tmrpmetro.ir و هم از طریق اینجانبین اداری ارسال خواهد شد (تا مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۷ به همراه نماینده خود در محل شرکت حاضر و پس از تایید تاریخ نسبت به تفویض وکالت به یکی از اعضای حاضر در جلسه اقدام نمایند. لازم است اعضاء نماینده، اوراق وکالت را به همراه دفترچه عضویت موکل جهت حضور در جلسه ارائه نمایند.
مدت حداکثر رای وکالتی برای هر عضو تعاونی ۳ برگ و برای افراد غیر عضو، یک برگ می باشد.
شایان ذکر است جلسه نوبت دوم با حضور هرتعداد اعضاء رسمیت خواهد داشت
هیئت مدیره تعاونی مسکن شماره ۲

**آگهی تغییرات شرکت لاستیک زرین داراب ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۲۸۲ و شناسه ملی ۱۴۰

تازه‌های نشر

قصه هشت سفر شاعر به کربلا

سوره مهر: کتاب «پیاده تا خورشید» سفرنامه علیرضا قزوه از هشت سفر به کربلای معلی منتشر شد.
«پیاده تا خورشید» حاصل هشت سفر علیرضا قزوه، شاعر و منتقد ادبی، است که در سال‌های اخیر به کربلا داشته است. قزوه در عالم ادبیات بیشتر با شعر و دفترهایی چون «صبح بنارس»، «با کاروان نیزه»، «از نخلستان تا خیابان» و... شناخته می‌شود. او با شعر «مولا ویلا نداشت»؛ قطعه‌ای اعتراضی که توانست جایگاه خود را میان سروده‌های اجتماعی پس از جنگ میان مخاطبان تثبیت کند، به عنوان یکی از شاعران ساختارشکن ادبیات انقلاب‌اسلامی مطرح شد. مخاطب «پیاده تا خورشید» که در واقع یادداشت‌های هشت سفر قزوه به کربلا است، شاید با تجربه‌ای متفاوت‌تر روبه‌رو باشد. طبع لطیف نویسنده کتاب، کربلا و این سفر را به گونه‌ای دیگر می‌بیند. نویسنده در این یادداشت‌ها از توجه به جزئیات و گاه استفاده از طنزی لطیف در کلام نیز بهره برده است.

داستانک‌هایی برای امام‌رضا (ع)

صاد: کتاب «واگن مخصوص» مجموعه‌ای از داستانک‌های کوتاه مذهبی است که به قلم مصطفی خدامی نوشته شده‌اند. همه این داستانک‌ها به نوعی با امام‌رضا(ع) و تجربه‌های مختلف زیارت و معجزات و کرامات در ارتباط هستند.
داستانک، قالبی در داستان‌نویسی است که در چند خط یا حداکثر یک صفحه نوشته می‌شود و در پی یک کشف ضربه‌زننده است. این کشف می‌تواند غافلگیر کردن خواننده و ایجاد شوک، شوخی یا نمایش لحظه‌ای زیبا باشد.
بخشی از کتاب واگن مخصوص:
آلزایمر: چیزی را از یاد نمی‌بَرد؛ رفته بود شفا بخواهد. چشمش به گنبد افتاد. درخواستش را فراموش کرد.
نذر: دکتر گفته بود که چند ماه بیشتر زنده نیست؛ به مشهد رفت. حالا هر سال به بیمارستان کودکان سرطانی می‌رود و نذرش را ادا می‌کند.

کتابی که به چندین دفعه خواندن می‌ارزد!

نگاه: کتاب «حاجی بابا در لندن» که در واقع دنباله ماجرای کتاب «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» است، با ترجمه میرزا اسدالله طاهری و با مقدمه بهاءالدین خرمشاهی، از سوی نشر نگاه منتشر و روانه کتاب‌فروشی‌ها شد.
ماجرای انتشار کتاب «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» به قلم جیمزموریه همانند ماجراهای خود کتاب جالب است. جیمزموریه که مأمور سیاسی دولت انگلستان در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه بود، در کتابی به نام «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی»، سرگذشت دلاک‌زاده ادب‌آموخته اهل اصفهان را روایت می‌کند که پس از ماجراهای بسیار سر از دربار قاجار درمی‌آورد. کتاب در واقع با زبانی داستانی و گیرا نقدی دارد بر سیستم سیاسی ایران در آن دوره و همچنین نگاهی به جامعه ایران در دوره قاجار انداخته است.
موریه پس از انتشار این اثر در سال ۱۸۲۴ در لندن، جلد دوم این اثر را با عنوان «حاجی بابا در لندن» منتشر کرد که گاه با نام «حاجی بابا در انگلستان» نیز ترجمه شده است. در معرفی این اثر آمده است: «میرزا ابوالحسن الگوی شخصیتی است که در اواخرِ رمانِ حاجی بابای اول با نامِ میرزا فیروز واردِ صحنه می‌شود، همو که در مقام ایلچی ایران رهسپار انگلستان است و حاجی را به عنوانِ منشیِ مخصوصِ خود همراه می‌برد و روشن است که در دومین رمانِ حاجی، ماجراهای حاجی بابا در انگلیس، شیرین‌کاری‌های میرزا ابوالحسن در انگلستان در سفر اولش الهام‌بخش جیمزموریه در نگارش رمان دوم بوده است».
بسیاری بر این باورند که کتاب موریه از جمله آثار ارزشمند به منظور شناخت جامعه ایرانی در دوره قاجار است. زنده‌یاد مجتبی مینوی در کتاب «پانزده گفتار» در این رابطه می‌گوید: «بعد از ترجمه رباعیات خیام شاید هیچ کتاب انگلیسی به اندازه «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» ایران و ایرانی را بر سر زبان اروپاییان نینداخته باشد. می‌دانید که این کتاب به فارسی ترجمه شده و مترجمش «میرزا حبیب اصفهانی» بوده و بسیار خوب انشا کرده است. اگر آن را نخوانده‌اید حتماً بخوانید و اگر هم خوانده باشید به یک بار دیگر خواندن می‌ارزد».

خبر

اعضای هیئت‌علمی جایزه جلال منصوب شدند

مهر: اعضای هیئت‌علمی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شدند.
پس از پیشنهاد هیئت‌امنای جایزه ادبی جلال آل‌احمد، سیدعباس صالحی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در احکامی جداگانه، ابراهیم محمدحسن‌بیگی، حمید حسام، محمدرضا شرفی‌خبوشان، مصطفی جمشیدی، علی چنگیزی، ابوالفضل حری، مرتضی سرهنگی، مریم مشرف و محمدرضا بایرامی را به عنوان هیئت‌علمی سیزدهمین دوره این رویداد ادبی منصوب کرد.
پیش از این، ابراهیم محمدحسن‌بیگی به عنوان دبیر علمی و مصطفی راضی‌جلالی به عنوان دبیر اجرایی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد، توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شده بودند.
تصویب شیوه‌نامه اجرایی و نیز انتخاب هیئت‌داوران چهار بخش «داستان بلند و رمان»، «داستان کوتاه»، «نقد ادبی» و «مستندنگاری» از عمده‌ترین وظایف هیئت‌علمی جایزه ادبی جلال آل‌احمد است.

گفت‌وگو با مجتبی حیدری، عکاس مستند به انگیزه برگزاری نمایشگاه «به تو از دور سلام»

عکاسی در خدمت روضه‌های خانگی

ادب و هنر / جواد شیخ‌الاسلامی | امسال با وجود کرونا و حساسیت‌های آن، خاص و متفاوت از سال‌های پیش بود. همزمانی این بیماری با ایام محرم و عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع) چالشی برای عزاداران حسینی ایجاد کرد که نتیجه آن تبلور عقلانیت دینی و برگزاری شیوه‌های جدید عزاداری و مشخصاً روضه‌های خانگی بود. مجتبی حیدری، عکاس اجتماعی که همیشه با ایده‌ها و نگاه‌های نو وارد میدان‌های فرهنگی و اجتماعی کشور شده است، این بار هم فرصت را از دست نداده و با دوربین خود راوی عشق و محبت مردم به سیدالشهدا(ع) در روضه‌های خانگی شده است. حالا این عکس‌ها در نمایشگاه «به تو از دور سلام» اکران شده‌اند و در امامزاده‌صالح(ع) تهران برای دید عموم به نمایش درآمده‌اند. با مجتبی حیدری، عکاس خوش‌ذوق و انقلابی نمایشگاه «به تو از دور سلام» درباره این نمایشگاه، پدیده روضه‌های خانگی و البته مشکلات عکاسی در کشورمان به صحبت نشستیم که می‌خوانید.

◆ آقای حیدری بگویید ایده عکاسی از روضه‌های خانگی چطور به ذهنتان رسید؟

امسال کرونا همه‌چیز را تحت‌تأثیر قرار داد و ایام محرم هم به همین واسطه دچار چالش جدیدی شد. اگرچه شیوه و مدل عزاداری‌ها تغییر کرد، اما طبیعی بود که روضه سیدالشهدا(ع) تحت هیچ شرایطی تعطیل نشود. مردم ما هیچ‌وقت روضه را تعطیل نکرده‌اند بلکه حتی در سخت‌ترین شرایط هم شکل آن را تغییر داده‌اند. پدر خود من درباره عزاداری در حکومت پهلوی می‌گوید ما جلوی هیئتمان کفش‌های زنانه می‌ریختیم تا فکر کنند اینجا یک میهمانی زنانه است و به این نحو عزاداری را برگزار می‌کردیم.
پس روضه سیدالشهدا(ع) تعطیل نشده و نخواهد شد. امسال هم به دلیل کرونا متفاوت‌ترین روضه‌ها را برگزار کردیم. این لطف سیدالشهدا(ع) بود که من امسال این کار را انجام دادم و سختی‌هایش هم برایم شیرین بود. برای این کار به همراه دوستانم گروهی را تشکیل دادیم و از فضای‌مجازی برای تحقیقات استفاده کردیم و سوژه‌ها را پیدا می‌کردیم. خودم هم با موتور در محلات مختلف جست‌وجو می‌کردم و سعی می‌کردم به هر جایی که روضه‌خانگی بود سرک بکشم تا بهترین عکس‌ها را ثبت کنم.

◆ فقط از روضه‌های خانگی تهران عکاسی کردید؟

بله، بیشتر در تهران و حاشیه‌های تهران عکاسی کردم. به ۳۵ لوکیشن سر زدم و هر هیئت را هم فقط یک بار می‌رفتم. پیش از مراجعه به هیئت‌های خانگی هم از آن عزیزان به نحوی عکس و فیلمی می‌گرفتم تا با آمادگی سراغ سوژه‌ها بروم.

◆ حتماً در این پروژه با اتفاقات جذابی هم روبه‌رو شدید. خاطراتی از این هیئت‌ها تعریف می‌کنید؟

من در تمام سال‌های عمرم بیشتر به مناطق دورافتاده از شهر، روستاها و مناطق محروم می‌روم و علاقه‌ام به این مردم بسیار زیاد است. بر همین اساس حاشیه تهران و زندگی مردمی که دارند با سختی زندگی می‌کنند برای من جذاب‌تر از دیگر نقاط است. وقتی می‌بینم آن‌ها هم در آن شرایط سخت ارادتمند به سیدالشهدا(ع) هستند و در همان بیابان و منطقه محرومی که در آن زندگی می‌کنند، چادر زده‌اند و یک سقاخانه تدارک دیده‌اند و بچه‌هایشان را گذاشته‌اند داخل آن چادر، واقعاً شگفت‌زده می‌شوم. جالب است بدانید آن منطقه آن‌قدر سوت و کور است که حتی مخاطب سقاخانه‌شان هم فقط خودشان هستند، چون کسی از آنجا عبور نمی‌کند. با این همه، به احترام سیدالشهدا(ع) این کار را کرده‌اند و همین مسئله برای من خیلی جذاب است. یا آن کسی که خودش مداح و روضه‌خوان بود، ولی امسال به این دلیل که به کرونا مبتلا شده و در خانه قرنطینه شده بود، تنهایی برای خودش روضه می‌خواند و گریه می‌کرد. عکاسی از این افراد برای من جذاب بود.

◆ من فکر می‌کردم آن کودکانی که در بیابان چادر زده‌اند احتمالاً متعلق به اهواز، سیستان یا کرمان هستند، یعنی محرومیت عجیبی در آن عکس وجود داشت.

نه، آن عکس مربوط به همین تهران است؛ تهران بزرگ، تهران قشنگ، تهران رنگارنگ و کلانشهر عزیز که چنین مناطق محرومی هم دارد و کسی از آن‌ها خبر ندارد!

◆ انگار عکس‌های این نمایشگاه فقط چند فریم از روضه‌های خانگی نیستند بلکه آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هم در آن‌ها دیده می‌شود!

کاملاً درست متوجه شدید. من همیشه حرف‌هایم را همین‌طوری زده‌ام. روضه سیدالشهدا(ع) فقط گریه و اشک نیست. ما باید از روضه سیدالشهدا(ع) درس بگیریم. به همین خاطر سعی می‌کنم حرف‌هایم را

برش

> در ایران و در هر کجای دنیا برای خرید هر چیزی باید پول داد، اما برای عکاسی پولی نمی‌دهند و می‌گویند عکس را باید رایگان بگیریم! عکس است دیگر! نمی‌دانند عکاس برای این عکس چقدر زحمت کشیده و چه هزینه مالی و زمانی برایش داشته است. باید این فرهنگ به وجود بیاید که از عکاس هم حمایت کنیم، نه اینکه عکس او را کپی و استفاده کنیم

این‌گونه بزنم. این‌ها درد من است.

◆ چگونه به محل امامزاده‌صالح(ع) برای نمایش آثار رسیدید؟

همه نمایشگاه‌های من تا امروز مثل نمایشگاهی که در مشهد برگزار کردیم، خیابانی بوده است. حتی آستان مقدس امام رضا(ع) هم به ما گفتند بیایید در زیرزمین حرم و آنجا نمایشگاه را اکران کنید، اما من قبول نکردم. همیشه در مسیر تردد مردم نمایشگاه‌ها را اکران کرده‌ایم. در تهران هم همین‌طور بود و آخرینش ماجرای میدان انقلاب و نرده‌های دانشگاه تهران بود که البته مسئولان فرهیخته دانشگاه تهران با وجود قول همکاری که داده بودند، نمایشگاه ما را نابود کردند. این بار هم تلاش داشتیم در مسیر تردد و حرکت مردم نمایشگاه عکاسی «به تو از دور سلام» را برگزار کنیم که نشد. من در همین ارتباط با یکی از دوستان درددل می‌کردم که آن دوست پیشنهاد داد در امامزاده‌صالح(ع) آثار را به نمایش بگذاریم و من هم قبول کردم. با حاج آقای «بی‌آزار» هم صحبت کردیم و ایشان با محبتشان فضا را به طور کامل در اختیار ما قرار دادند تا بتوانیم از امکانات موجود استفاده کنیم.

◆ به نظر در این شرایط کرونایی انتخاب امامزاده‌صالح(ع) انتخاب مناسبی بود.

بله، اینجا هم محل مراجعه مردم است. در ایام کرونا که همه‌جا بسته است، اینجا فرصت خوبی است تا ما در امنیت کامل نمایشگاه را برگزار کنیم. حداقلش این است که کسی عکس‌ها را پاره نمی‌کند و ماجرای دانشگاه تهران تکرار نمی‌شود!

◆ به غیر از عکس‌های خودتان آیا از دیگر عکاسان هم اثری در نمایشگاه وجود دارد؟

نه، این یک نمایشگاه انفرادی است، چون ما برنامه گروهی نداشتیم. البته همین چندوقت پیش بود که یک نمایشگاه گروهی از همین جنس در چالدران داشتیم، اما چون این مجموعه به صورت گروهی عکاسی نشده بود و عکس‌هایی که دوستانم فرستادند در یک مجموعه واحد و یک شکل قرار نمی‌گرفتند، تصمیم گرفتم نمایشگاه را انفرادی برگزار کنم، اما قطعاً دوست دارم همین موضوع را با دوستانم به صورت گروهی هم برگزار کنم.

◆ وضعیت اقتصاد هنر عکاسی در کشور ما چگونه است؟

در ایران و در هر کجای دنیا برای خرید هر چیزی باید پول داد، اما برای عکاسی پولی نمی‌دهند و می‌گویند عکس را باید رایگان بگیریم! عکس است دیگر! نمی‌دانند عکاس برای این عکس چقدر زحمت کشیده و چه هزینه مالی و زمانی برایش داشته است. باید این فرهنگ به وجود بیاید که از عکاس هم حمایت کنیم نه اینکه عکس او را کپی و استفاده کنیم. باید به این کار احترام بگذاریم و محصولی که این بچه‌ها تولید کرده‌اند را بخریم. شما برای هر هنری مثل تئاتر، سینما،موسیقی، کتاب و غیره هزینه پرداخت می‌کنید، اما برای عکس نه. البته ما دیگر از این مراحل گذشته‌ایم و پس از سال‌ها دوندگی در کوچه و خیابان‌ها همه خواسته‌مان این است که مردم کارهایمان را ببینند. مسئولان فرهنگی کشور هم که تمامشان به خواب زمستانی رفته‌اند و هیچ خبری از آن‌ها نیست.

◆ عکاسی از هیئت‌های خانگی در ایام محرم و صفر، اتفاق خوبی بود. اگر از این حرکت‌ها حمایت نشود قطعاً عکاسان متعهد و جهادی ما خسته خواهند شد.

من سال‌هاست خسته شده‌ام! خستگی من مربوط به امروز نیست. فقط عشق به سیدالشهدا(ع) ما را سر پا نگه داشته است. دو سال است ارشاد مجوز فعالیت سایت ما را صادر نمی‌کند و من نمی‌دانم چرا؟ مگر ما دشمن هستیم؟ ما که موافق جریان نظام حرکت می‌کنیم. البته وقتی دانشگاه تهران به عنوان یک نهاد فرهیخته و فرهنگی کشور، به آن شکل نمایشگاه ما را نابود می‌کند، از دیگر نهادها چه توقعی می‌توان داشت؟ این را هم بگویم که همه نهادها ما را می‌شناسند، پس چرا هیچ کاری نمی‌کنند؟ ما هنوز در مجموعه« سو ایمیج» مشکل مکان داریم. در صورتی که اگر ذره‌ای امکانات و پشتیبانی داشته باشیم، کارهای بسیار بزرگی می‌توانیم انجام دهیم.

◆ متأسفانه در عکاسی کارهای بر زمین مانده زیاد وجود دارد و مسئولان، عکاسی را به عنوان یک هنر جدی و مهم قبول ندارند!

در دیدار جهادگران مسئول با رهبر معظم، به ایشان گفتند: ما فلان فعالیت‌ها را برای روستاها انجام داده‌ایم و کلی از خودشان تعریف کردند. رهبری فرمودند: «بروید این‌ها را به مردم بگویید، چرا به من می‌گویید؟! بروید یک کار رسانه‌ایِ عاقلانه و هنرمندانه انجام بدهید».
اما پس از آن جلسه هیچ اتفاقی نیفتاد و سازمان جهاد سازندگی کاری نکرد.
قرارگاه پیشرفت و آبادانی چه کار کرد؟ هیچ کار!
اما ما که بلدِ این کار هستیم و قصد کمک داریم، چرا از ظرفیت ما استفاده نمی‌شود؟ ما می‌توانیم نیرو و ایده تجمیع کنیم، ولی این‌ها ما را جدی نمی‌گیرند. من ۳۸ ساله‌ام، اما وقتی در جلسات این‌ها شرکت می‌کنم به من در زمان میوه‌خوری‌شان فرصت صحبت می‌دهند! یک بار در صفحه اینستاگرامی خودم بسیاری از این دوستان مسئول را مورد خطاب قرار دادم و پرسیدم در مواجهه با فرمان رهبری چه کار کرده‌اید؟ وقتی انتقاد کردم صدای همه بلند شد که چرا داری جبهه انقلاب را نقد می‌کنی، ولی مشکلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ما با این کارها حل نمی‌شود. ما در خط نظام و انقلاب هستیم و خودمان را بارها ثابت کرده‌ایم. به جای این همه خرج‌های بیهوده از ما حمایت کنند که ایده، نیرو و تجربه داریم.

پشت ویترین

نگاهی به مجموعه شعر «بی‌چشمداشت» اثر موسی‌عصمتی، شاعر روشندل در آستانه روز جهانی نابینایان

گدازه‌های تماشایی

ادب و هنر / سیدوحید سمنانی | موسی‌عصمتی، معلم روشندلی است که سال‌ها در گوشه انزوای خویش شاعری کرده است؛ بی‌ادعا اما پردغدغه. شاعری است که هر چند در نوجوانی بینایی‌اش را از دست داد، اما با همت و تلاشی مثال‌زدنی دانشگاه را تا سطح کارشناسی ارشد ادامه داد تا امروز در کسوت معلمی به روشندلانی چون خود، ادبیات‌فارسی را بیاموزد.
آنچه در پی می‌آید مروری است بر نخستین مجموعه اشعار این شاعر که توسط شهرستان‌ادب منتشر شده است.عصمتی برای انتشار «بی‌چشمداشت» نامزد دریافت جایزه قلم زرین شده و از این اثر به عنوان کتاب برگزیده ۲۰ سال اخیر نابینایان تجلیل شده است.
شاعران فراوانی در گستره ادبیات‌فارسی به قصد جاودانگی پای در جاده ادبیات قلم دوانده‌اند، اما از آن میان تعداد کمی قدم در منزل مانایی نهاده‌اند. دلایل فراوانی را می‌توان برشمرد که موجبات تداوم حیات یک اثر و به تبع آن حیات معنوی یک شاعر را فراهم می‌آورد؛ در آن میان بیراه نیست اگر بیشترین توفیق شاعر را در به وحدت رساندن احساس و ادراک شاعر و مخاطب از حادثه‌ای سیال در نقطه‌ای مشترک بدانیم؛ با این توصیف آنچه موجب زمزمه غزلیات حافظ در بستر زمان از دیرباز تا امروز بوده است بیش از هر چیز، نقاط مشترک فراوانی است که شاعر با مخاطبان خویش در بستر جاری زمان یافته است، از همین رو مخاطبان کلام خویش را شاید بیش از هر شاعر دیگری، در بیان حافظ جست‌وجومی کنند!
اما همیشه این گونه نیست و گاه شاعر مخاطب را از پیچ وخم کلمات به سرزمینی می‌کشاند که خواننده با آن نه قرابتی دارد و نه شوق دیداری برای سیر در آفاق آن. با این همه به تصویرکشیدن دنیای تجربه شده شاعر گاه هر چند نامطلوب هم باشد مرورش برای مخاطب با تازگی و شگفتی‌هایی همراه خواهد بود. تأثیرگذاری این اشعار در گرو شفافیت تصاویری است که از این فضاهای نامطلوب ارائه شده‌اند. حبسیه‌ها را می‌توان برجسته‌ترین نمونه این ژانرهای ادبی دانست؛ به تصویر کشیدن فضاهایی تلخ و در عین حال مؤثر برای به اشتراک گذاشتن حسی که کمتر کسی در پی درک موقعیت واقعی آن است و این مهم‌ترین کاری است که شاعر مجموعه «بی‌چشمداشت» به خلق آن همت گماشته است.
محمدکاظم کاظمی، مقدمه‌ای بر این کتاب نوشت که اکنون با گذشت حدود سه سال به چاپ دوم رسیده است. اینکه «بی‌چشمداشت» طبع سخت‌پسند «کاظمی» را مجاب کرده که در پیشانی آن چیزی بنویسد، بی‌هیچ تعارفی خود نشان از قوت اثر دارد. اشعار این مجموعه در قالب‌های غزل، مثنوی و سپید سامان یافته‌اند. نکته قابل توجه این است که با وجود تنوع در قالب‌ها و جهان‌بینی شاعر شکلی واحد دارند و این خود نشان‌دهنده این مهم است که خمیرمایه دغدغه ذهنی شاعر در سرایش این شعرها محصول تفنن یا مشق سنت‌های تجربه شده ادبی نبوده است.
«بی‌چشمداشت» درباره موضوعی سامان یافته است که شاعر با تمام وجود سال‌های سال آن را زیسته است؛ از همین رو شاعر برای بیان این عنصر زیست شده در دنیای درونی خویش، در روایت بیرونی آن بی‌نیاز از تکرار مشق‌های دیگران بوده است. همین مسئله در اشعار او زاویه‌نگاه شاعر را قائم به خودش کرده و این مسئله ارزشمندترین برگ برنده آثاری از این دست است.

جلوه موفق شاعر در «سپید» سرایی

«بی‌چشمداشت» تلفیقی است از شعرهایی که در قالب‌های کلاسیک غزل و رباعی و سپید سروده شده‌اند. غزل‌های این مجموعه اگرچه بسیار روان و دلپذیرند، اما از نظر قواعد رعایت تناسب بین کلمات، به استحکام سپیدسروده‌های این مجموعه نیستند. اگرچه آنچه در کتاب گرد آمده محصول دریافت‌های شخصی و برون‌داد احساسی روح شاعر است، اما شاعر در «سپید» فضای بازتری برای بیان احساسات خویش داشته است. البته این سخن به معنای کم‌اهمیتی غزل‌های عصمتی نیست؛ مقصود نگارنده این است که شاعر در سپید که قالب روزگار ما نیست، جلوه موفق‌تری دارد.
غزل «شبیه رودکی» شعری است که می‌تواند شناسنامه اجتماعی و هنری روشندلان به حساب بیاید. غزلی صمیمی که هر چند در فضای امید و ناامیدی در نوسان است، اما هنرمندانه و مؤثر سروده شده است:

آیا شما نشانه‌ای از من ندیده‌اید؟
کوهی درست رو به شکستن ندیده‌اید؟
... اینجا کنار بغض سرازیر ریل‌ها
ساکی در آستانه رفتن ندیده‌اید؟
...مردی شبیه رودکی اما شکسته‌تر
در بلخ یا حوالی کدکن ندیده‌اید؟
...مردی که رنگ مات عصایش سفید بود
در کوچه‌های قونیه اصلاً ندیده‌اید؟

دعوت به تأمل نه کسب ترحم

عصمتی شاعری است آرزومند، اما نقصان بینایی او هیچ‌گاه از شکوه چگونگی طلب او نکاسته است. وی در شعرهایش از محدودیت‌های جاری در زندگی روشندلان سخن گفته است، اما وجه امتیاز این شعرها دعوت به تأمل مخاطبان است نه کسب ترحم از سوی آن‌ها؛ به همین خاطر است که عاطفه خرج‌شده در شعرها بی‌آنکه به سیاهی بینجامد، مخاطب را به تأملی روشن دعوت می‌کند.
آرزوی افروخته‌شدن چراغ دیدگان شاعر در سراسر این مجموعه به چشم می‌آید؛ امید برآمده از اوهام نیست. او بهتر از هر کس دیگری بی‌احتمالی وقوع این آرزو را درک می‌کند؛ اما مهم‌تر از فروزان شدن چراغ‌دیدگان شاعر، شعله امیدی است که شاعر به عنوان نماینده‌ای فرهیخته از جامعه‌ای که کمتر دیده شده و صدایشان به گوش رسیده است، خویش را موظف به تکرار آن دیده است:

اگر روزی شعله‌ای بیاورند
و فانوس‌های شکسته‌ام
دوباره روشن شوند
آن‌قدر نگاه خواهم کرد
که آسمان رنگ ببازد
که برف کوه‌ها از خجالت آب شوند
که رودها در استوا یخ بزنند

اگرچه احساس می‌شود تشبیه‌های شاعر گاه برآمده از شنیده‌هاست، اما در برخی موارد وجه‌شبه‌ها بسیار زنده و ملموس‌اند؛ تا جایی که تشبیه شفاف در بیت زیر را می‌توان در شمار تشبیه‌های تازه و مؤثر شعر امروز محسوب داشت:

مثل یک مزرعه جاری پنبه آرام
می‌رود تا دل صحرا رمه چوپان‌ها

دریافت‌ها و تشبیهات تازه در این مجموعه هر اندازه عینی‌تر می‌شوند باورپذیرترند. شاعر چشم‌هایش را در جایی به «نگاتیوهایی سوخته» تشبیه کرده است. این تشبیه در ادبیات، بی‌گمان برساخته ذهن عصمتی است که با تعلیلی شاعرانه همراه بوده است:

چشم‌هایم
نگاتیوهایی‌سوخته‌اند
از خاطراتی فراموش شده
در روستایی دور
از شهری سوخته در زابل
از جنازه‌ای با چشم‌هایی مصنوعی
چشم‌هایم‌نگاتیوهایی‌سوخته‌اند
که هیچ تصویری را به یاد نمی‌آرند
حتی در تاریکخانه‌های مدرن

طنز نهفته در سطر آخر زیرکانه است و شاعر با به سخره گرفتن ابزار مدرن پزشکی روز، ناتوانی بشر را در درمان این ضایعه- که تاریخ قدمتش از «شهر سوخته» تا امروز به درازا کشیده شده است- به چالش می‌کشد.

بومی‌گرایی

بومی‌گرایی اتفاق روشنی است که در سرتاسر این مجموعه می‌توان آن را به تماشا نشست. نکته مهمی که در این‌باره می‌توان به آن اشاره کرد این است که عصمتی عناصر جغرافیایی محل زیست خود را با کارکردی شاعرانه به شعرش دعوت می‌کند، از این رو هم راوی تعلق‌خاطر وی به محیط زندگی وی‌اند و هم مبین قدرت شاعری او در به خدمت‌گرفتن کلماتی که در نگاه اول شاید چندان شاعرانه به نظر نیایند:

محکومم/ روزه سکوت بگیرند/ بعضی‌ها/ وقتی از کنارم می‌گذرند/ و در فلکه راهنمایی / سؤال‌هایم/از رهگذران عجول/ به مقصدی نرسد

یا:

از باغ‌های سبز سناباد می‌روم/ پامال اهل کوچه «سرشور» می‌شوم

نحوه استفاده از کوچه سرشور که یکی از محلات کهن مشهد است نیز خالی از ظرایف شاعرانه نیست.
شیوه به خدمت گرفتن «شورجه»، «بنگی» و «بی‌بی» نیز همین حکم را دارند.
به اعتقاد نگارنده این مجموعه در حوزه ساختار بیرونی، هر چند یکسره از لغزش‌های زبانی خالی نیست؛ اما در نهایت سطحی قابل قبول دارد تا جایی که می‌توان تمام‌قد از آن دفاع کرد و از مرور سطر سطر آن لذت برد. آنچه «بی‌چشمداشت» را خواندنی و تأمل‌برانگیز می‌کند، فرم بیرونی آن نیست بلکه قوت شاعر است در انعکاس تجربیات شخصی خویش در شعرهایش تا جایی که می‌توان از آینه توفیقات آن، الگویی برای جوانان شاعر ساخت؛ جوانانی که باید هر چه سریع‌تر راه‌های پر پیچ وخم سنت‌های ادبی را ببُرند تا به سرزمین «منِ شاعر» خویش بپیوندند. این مجموعه آن‌قدر مؤثر و یادگرفتنی است که توصیه مرور دقیق آن به شاعران جوان و خوانندگان شعر اصیل، توصیه‌ای بی‌وجه نخواهد بود.